

شناخت اجتماعی

(چگونه خود، دیگران و جهان را درک کنیم؟)

نویسنده: پرفسور زیوا کاندا

مترجم: دکتر حسین کاویانی

تهران؛ ۱۳۸۸

ناشر: مهرکاوایان، ۷۳۳ صفحه

قیمت: ۹۵۰۰ ریال

سعید نظام آبادی فراهانی / دانشجوی مدیریت برنامه‌ریزی



است برداشت‌های متفاوتی از آن داشته باشند. تذکری که ممکن است یک نفر آن را شوخی با مزه‌ای بپندارد، در نظر دیگری ممکن است دشنامی توهین‌آمیز جلوه کند. یک الگوی رفتاری که الهام بخش فردی است، ممکن است سبب دلسردی دیگری شود. چنین تفاوت‌هایی از آنجا ناشی می‌شود که یک موقعیت اجتماعی یکسان، ممکن است موجب تداعی‌های گوناگون برای افراد مختلف شود.

کتاب شناخت اجتماعی به سه بخش تقسیم شده است: بخش اول به فرآیندهای پایه در شناخت اجتماعی پرداخته است. در این بخش به تحقیقات انجام شده درباره‌ی بازنمایی مفهوم، قوانین استنباط، حافظه، شناخت داغ و پردازش خودکار، اشاره شده است. بخش دوم درباره‌ی موضوع‌های پایه از قبیل کلیشه‌های گروهی، دانش درباره‌ی رفتار

رفتار و گرایش اجتماعی انسان، وابسته به فرآیندهای زیرساز گوناگون و چگونگی پیوند «ذهن» و «واقعیت» است؛ و شناخت اجتماعی دانشی است برای روشن سازی این فرآیندها و پیوندها. جریان اطلاعات و دانش، همواره ذهن را زیر سلطه‌ی خود دارد و چیرگی اطلاعات گاه چنان است که لغزش ذهن گریز ناپذیر می‌نماید، به گونه‌ای که هیچ‌کس را یارای درست اندیشی نمی‌ماند و کز اندیشی، پردازش سوگیرانه و ارزیابی اشتباه‌آمیز به آسانی گریبان‌گیر همگان است.

برداشت ما از جهان پیرامون خود تحت تأثیر دریافت‌ها، باورها و نظریه‌ها و نیز اهداف و احساس‌های ما قرار دارد. دو فرد مختلف، اگر از دیدگاه‌های مختلف به یک موقعیت اجتماعی مشابه بنگرند، ممکن

آیا این فرآیندها به صورت خودکار، انجام می‌شود و به میزان پیش‌داوری فرد بستگی دارد یا خیر؟ و سپس این که وضعیت کسی که هدف کلیشه‌انگاری قرار گرفته چگونه است؟

خویشتن

تمرکز این فصل بر شرح این موضوع است که چگونه محتوا و سازمان‌بندی دانش درباره‌ی خویشتن می‌تواند بر چگونگی واکنش افراد و بر نحوه‌ی درک رفتارهای دیگران تأثیر بگذارد. سپس به بررسی تمایل افراد به دریافت اطلاعاتی که مؤید شناخت افراد از خود است و اطلاعاتی که نگاه به خویشتن را غنی‌تر می‌سازد می‌پردازد. همچنین با مطالعه‌ی این فصل درمی‌یابیم که وقتی این دو تمایل در وجود شخص در تضاد با یکدیگر قرار گیرند چه روی می‌دهد؟

فرهنگ

فصل پایانی کتاب نیز تفاوت‌های فرهنگی در شناخت اجتماعی را بررسی می‌کند. ابتدا فرهنگ‌های غربی و شرقی با یکدیگر مقایسه شده است. هرچند که فرهنگ غرب مفهوم خویشتن را مثل فردی مستقل مطرح می‌کند، بسیاری از فرهنگ‌های شرقی خویشتن را مرتبط با دیگران و عضوی از یک شبکه‌ی اجتماعی گسترده می‌پندارد. این تفاوت‌ها، توأم با شکل‌های مختلفی از دانش خویشتن، شیوه‌های مختلف تشریح رفتار دیگران و اهداف گوناگون هستند. در ادامه‌ی این فصل به تفاوت‌های فرهنگی بین مناطق شمالی و جنوبی ایالات متحده آمریکا پرداخته است.

به طور کلی بحث‌های مطرح شده در این کتاب مبتنی بر تحقیق تجربی بوده و از آنجا که روش‌های تجربی مختلف نقاط قوت و ضعف گوناگونی دارند، سعی بر آن شده تا جزئیات کافی درباره‌ی هر یک از روش‌های بکار رفته، ارائه شود تا شناسایی تعمیم‌پذیری و محدودیت‌های هر یک از نتایج امکان‌پذیر شود.

دیگران و خویشتن است. در بخش آخر نیز از دیدگاه‌های بین فرهنگی، بسیاری از مسائل مطرح شده در کتاب، مرور شده است. چکیده‌ی فصول مذکور به شرح ذیل می‌باشد:

فرآیندهای پایه

این فصل بر مفاهیم، قالب‌های سازنده‌ی تفکر، متمرکز است. در این فصل از کتاب ضرورت مفاهیم اجتماعی نظیر «وکیل»، «برون‌گرا»، «گریه کردن» یا «مهمانی»، برای درک جهان اجتماعی بررسی می‌شود. این مفاهیم به ما کمک می‌کند تا در برخورد با رخدادهای اجتماعی، آن‌ها را درک کنیم و فراسوی اطلاعات مستقیم را ببینیم.

روش یافتاری یا حساب سرانگشتی

کانون تمرکز این فصل بر نحوه‌ی قضاوت افراد درباره‌ی رخدادهای غیرقطعی است. در این فصل می‌بینیم که افراد به گونه‌ای، برداشتی از قوانین آماری حاکم بر چنین رخدادهایی دارند و در اغلب موارد نیز از آن‌ها به درستی استفاده می‌کنند. البته مردم اغلب به جای استفاده از این قوانین آماری، به یافتارهای بسیار متنوعی تکیه می‌کنند که شاید آن‌ها را بتوان حساب سرانگشتی نامید. همچنین مروری بر سوگیری‌ها و خطاهای نظام‌بند (سیستماتیک) در قضاوت درباره‌ی مردم و خویشتن دارد؛ که این سوگیری‌ها می‌تواند ناشی از یافتارها باشد.

حافظه (بازسازی گذشته)

این فصل به این واقعیت اشاره دارد که ما وقایع را دقیقاً آن گونه که رخ داده‌اند، به خاطر نمی‌آوریم؛ در عوض آن وقایع را بازسازی می‌کنیم و یادآوری‌های ما ممکن است از وضعیت ذهنی ما به هنگام به خاطر آوردن و نیز انتظارات، فرضیه‌ها، اهداف و احساسات ما در آن لحظه شکل بپذیرند.

کلیشه‌ها یا قالب‌های ذهنی

در این فصل ابتدا شرایطی که منجر به تداعی کلیشه‌ای در ذهن می‌شود و بر قضاوت‌های ما درباره‌ی اعضای گروه کلیشه شده تأثیر می‌گذارد، بررسی می‌شود. همچنین این فصل خاطر نشان می‌سازد که